

Relationship between Personality Traits, Early Maladaptive Patterns, Optimism and Pessimism with Justification of Infidelity in Married Couples.

Monireh Enayat Gholampour¹, Hasan Abdollahzadeh², Mehrbanou Amirshahi³, Akram Sanagoo^{4,*}

¹ MSc, Department of Clinical Psychology, Sari Islamic Azad University, Sari, Iran

² Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran

³ MSc, Department of Midwifery, Nursing and Midwifery School, Zabol University of Medical Sciences, Zabol, Iran

⁴ Associate Professor, Nursing Research Center, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran

* **Corresponding author:** Akram Sanagoo, Associate Professor, Nursing Research Center, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran. E-mail: sanagoo@goums.ac.ir

Received: 15 Jan 2017

Accepted: 05 Jun 2017

Abstract

Introduction: Infidelity seems an individual phenomenon at first glance, but considering the consequences and disadvantages on the family, raising children and also health and safety of the community, it is considered a hidden and serious social pathology. The present study was designed to determine the relationship between personality traits, early maladaptive patterns, optimism and pessimism with justification of infidelity in married couples.

Methods: In this descriptive-analytical study, the research community was all married couples referred to counseling centers in Golestan Province in 2015 with a history of marital infidelity among which, 100 samples (50 males, and 50 females) were selected by the simple random sampling method. The research instruments were questionnaires of the personality traits of NEO, the early maladaptive patterns, the optimism and pessimism and infidelity justification. The collected data were analyzed using descriptive and inferential statistics with the Smart PLS 2 software and the partial least squares method.

Results: Results of the study showed a significant inverse relationship between early maladaptive patterns ($\beta = -0.612$ & $T = 5.344$) and optimism and pessimism ($\beta = -0.195$ & $T = 2.273$) with justification of marital infidelity. There was no significant relationship between personality characteristics and justification of marital infidelity ($\beta = -0.21$ & $T = 1.781$).

Conclusions: In this study, most of the correlations were between early maladaptive patterns and justification of infidelity; therefore, it can be used to identify people at risk.

Keywords: Personality Traits, Early Maladaptive Patterns, Optimism and Pessimism, Infidelity

ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی و بدبینی با توجیه خیانت‌ناشویی در افراد متأهل

منیره عنایت غلام‌پور^۱، حسن عبدالله زاده^۲، مهربانو امیرشاهی^۳، اکرم ثناگو^{۴*}

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ساری، ایران

^۲ استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد، گروه مامائی، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی زابل، زابل، ایران

^۴ دانشیار، مرکز تحقیقات پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران

* نویسنده مسئول: اکرم ثناگو، دانشیار، مرکز تحقیقات پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران. ایمیل: sanagoo@goums.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶

چکیده

مقدمه: خیانت به همسر در نگاه اول پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به عواقب ناگوار و پیامدهای سوء آن بر نهاد خانواده، تربیت فرزندان و نیز سلامت و امنیت جامعه، از آسیب‌های اجتماعی پنهان و جدی به شمار می‌آید. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی و بدبینی با توجیه خیانت‌ناشویی در افراد متأهل طراحی و اجرا شد. **روش کار:** در این پژوهش توصیفی تحلیلی، جامعه پژوهشی، کلیه افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره استان گلستان با سابقه خیانت‌ناشویی در سال ۱۳۹۵ بودند که از این بین، ۱۰۰ نمونه (۵۰ زن و ۵۰ مرد) به روش نمونه‌گیری ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌های ویژگی‌های شخصیتی نئو، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی و بدبینی و توجیه خیانت‌ناشویی بودند. داده‌های جمع‌آوری شده به کمک روش‌های آماری توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار ۲ Smart PLS و روش حداقل مربعات جزئی، تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش رابطه معکوس و معناداری را بین الگوهای ناسازگار اولیه ($T = ۵ / ۳۴۴$ و $\beta = -۰/۶۱۲$) و نیز خوش‌بینی و بدبینی ($T = ۲/۲۷۳$ و $\beta = -۰/۱۹۵$) با توجیه خیانت‌ناشویی نشان داد. بین ویژگی‌های شخصیتی و توجیه خیانت‌ناشویی رابطه معناداری مشاهده نشد ($T = ۱/۷۸۱$ و $\beta = -۰/۲۱۰$).

نتیجه‌گیری: در پژوهش حاضر، بیشترین ارتباط، بین الگوهای ناسازگار اولیه با توجیه خیانت وجود داشت که می‌توان از آن برای شناخت افراد در معرض خطر استفاده کرد.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی و بدبینی، خیانت‌ناشویی

تمامی حقوق نشر برای انجمن علمی پرستاری ایران محفوظ است.

مقدمه

نیازهای عاطفی یا جنسی فرد، از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی، به وقوع می‌پیوندند. زمانی که نیازهای فرد، توسط شخصی از جنس مخالف برطرف می‌شود، آن قدر در فرد احساس رضایت و خشنودی ایجاد می‌کند که او خطر داشتن روابط پنهانی را با آن شخص به جان می‌خرد. خیانت مختص طبقه خاصی از افراد جامعه نیست بلکه همه افراد متأهل در معرض تهدید آن قرار دارند (۳). به طور کلی عوامل مرتبط با خیانت زناشویی در سه حیطه تفاوت‌های فردی (ویژگی‌های شخصیتی و نگرش‌ها)، ماهیت رابطه (مانند سطح تعهد و رضایت از رابطه) و شرایط محیطی (مانند فرصت خیانت یا جذابیت نفر سوم) گنجانده می‌شود (۴). طبق تحقیقات، ۷۰-۲۱ درصد زنان و ۷۵-۲۶

سیستم خانواده در زمره سیستم‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج شکل می‌گیرد. حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. در خانواده سالم، زن و شوهر نسبت به اصول خانوادگی تعهد دارند و از احساسات زودگذر و موقت خبری نیست و روابط، مبتنی بر ارزش‌های انسانی و برابر است. ارتباط خوب و توانایی برقراری ارتباط مؤثر، یکی از نشانه‌های مهم خانواده سالم است (۱). مهم‌ترین فرض روابط عاشقانه، منحصر به فرد بودن آن است، یعنی اعتقاد به اینکه هر دو نفر از نظر مسائل عاطفی و جنسی، متعهد به یکدیگر باشند. با وجود این، در جوامع امروزی، خیانت و بی‌وفایی، امری متداول و رایج است (۲). بی‌وفایی (خیانت) زناشویی، پدیده‌ای است که اغلب به خاطر برطرف نشدن

و عوامل به وجود آورنده بی‌وفایی زناشویی، روش‌های درمان و پیشگیری آن، تحقیقات مختلفی شده است، در حالی که به دلیل حساسیت زیاد و دسترسی نداشتن آسان به افراد و نیز واکنش شدید جامعه و قوانین به عاملان، پژوهش‌ها در این زمینه در ایران بسیار اندک و ناکافی است (۱۳). از آنجا که نهاد خانواده در کنار نهادهای دین، اقتصاد، سیاست، و آموزش و پرورش یکی از پنج نهاد بنیادین اجتماعی است که بسیاری از نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی افراد در چارچوب آن برآورده می‌شود و امروزه دگرگونی در روابط اجتماعی و تغییر نگرش در مورد روابط جنسی، داشتن ارتباط مخفی با فرد دیگر و روابط عاطفی فراتر از دوست عادی، استفاده از پورنوگرافی و ارتباط‌های نامتعارف در فضاهای مجازی، موجب رشد بیشتر مسئله روابط فرازناشویی شده است که خود می‌تواند اثرات مخرب و جبران‌ناپذیری را بر روی خانواده به خصوص فرد خیانت دیده و فرزندان، برجای گذارد، لذا شناخت و بررسی ریشه‌های مشکل و برنامه‌ریزی برای پیشگیری، کاهش و رفع عوامل زمینه‌ساز ضروری به نظر می‌رسد و این امر می‌تواند جامعه را به سمت ارتقای سطح سلامت، حفظ نظم و تعادل اجتماعی سوق دهد؛ از اینرو با در نظر گرفتن این ضرورت و از آنجا که پژوهشی در این راستا در شهر ساری انجام نشده است، لذا پژوهشگر بر آن شد تا ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای ناسازگار اولیه و خوش بینی و بدبینی را با توجیه خیانت زناشویی مورد بررسی قرار دهد.

روش کار

در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، که بین سال‌های ۹۵-۹۴ در مراکز مشاوره و مددکاری کلانتری‌های استان گلستان انجام گرفت جامعه پژوهش، شامل کلیه افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و مددکاری کلانتری‌های استان گلستان با سابقه خیانت زناشویی بودند که از جامعه مذکور، تعداد ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر زن و ۵۰ نفر مرد) بصورت نمونه‌گیری ساده در دسترس، انتخاب شدند. شرایط ورود به مطالعه شامل کلیه متأهلین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و مددکاری کلانتری‌های استان گلستان می‌شد که پس از صورت جلسه پلیس و ارائه شواهد، پرونده خیانت زناشویی برای آنها تشکیل شده بود. همه مراجعین شانس یکسان برای شرکت در این تحقیق را دارا بودند. معیارهای خروج از مطالعه شامل مراجعینی می‌شد که پرونده خیانت زناشویی نداشتند یا پس از شرکت در مطالعه، تمایل به انصراف داشتند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های ویژگی‌های شخصیتی نئو، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی-بدبینی و توجیه خیانت زناشویی بود. در این پژوهش، به منظور ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی، از پرسشنامه شخصیتی ۶۰ سوالی نئو به جهت اختصار و شاخص‌های روان‌سنجی مناسب‌تر استفاده شد (۱۴). این مقیاس توسط گروهی فروشی (۱۳۹۳) ترجمه و اعتباریابی شده است. پایایی این پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۷۸ درصد ارزیابی شد. این نسخه حاوی ۶۰ ماده برای هر یک از پنج حیطه (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی، سازگاری و باوجدانی) است که پاسخگویان هر یک از ۶۰ جمله را بر مبنای یک مقیاس طیف لیکرت پنج قسمتی (کاملاً مخالفم = ۱، مخالفم = ۲، نظری ندارم = ۳، موافقم = ۲، کاملاً موافقم = ۵) درجه‌بندی کردند. در این مقیاس، در هر سؤال، آزمودنی نمره یک تا پنج را احراز می‌کند. هر یک از سؤال‌ها نشان‌دهنده یکی از پنج عامل

درصد مردان آمریکایی، حداقل یک بار در طول زندگی زناشویی به روابط خارج از ازدواج روی می‌آورند (۵). بر اساس نظر سنجی گالوپ در سال ۲۰۰۸، بیش از نیمی از پاسخگویان، فردی را که به همسرش خیانت کرده بود، می‌شناختند (۶).

تاکنون هیچ آماری درباره میزان شیوع بی‌وفایی زناشویی در کشور ما منتشر نشده است، اما بعضی از تحقیقات اشاره‌هایی به این موضوع کرده‌اند؛ به عنوان مثال، ۳۰ درصد قتل‌های خانوادگی، مربوط به زنانی است که به دلیل رابطه نامشروع و سوءظن، توسط همسران خود به قتل رسیده‌اند. از سوی دیگر، ۲۲ درصد از قتل‌های خانوادگی مربوط به قتل مردان توسط همسرانشان است که در ۴۰ درصد موارد، زنان با همدستی معشوق خود، شوهرانشان را به قتل رساندند (۷). نداشتن آمار دقیق در کشور ما به منزله نبود این معضل اجتماعی نیست، بلکه بیتوجهی ما را نسبت به این آسیب اجتماعی نشان می‌دهد. درج مطالب زیادی در جراید، آمار تماس‌ها با صدای مشاور، افزایش آمار مراجعین درگیر با بی‌وفایی زناشویی به دادگاه‌های خانواده و مراکز مشاوره، افزایش تعداد فیلمها و سریالها با موضوع بی‌وفایی زناشویی و نیز توجه به این موضوع که بی‌وفایی زناشویی، یکی از دلایل اصلی طلاق‌ها و قتل‌های خانوادگی و ناموسی است، مبین این واقعیت تلخ است که این معضل اجتماعی به صورت پنهان در جامعه ما رواج دارد (۸). بحث شیوع خیانت به این دلیل اهمیت دارد که افراد معتقدند خیانت تهدید بزرگی برای آن‌ها محسوب نمی‌شود و جهت پیشگیری از آن اقدامی نمی‌کنند اما اعتقاد صرف به تک همسری از خیانت بیشتر افراد پیشگیری نمی‌کند. دومین فرض اشتباه افراد این است که معتقدند خیانت فقط در تعداد معدودی از ازدواج‌ها رخ می‌دهد در حالی که فقط زمانی از خیانت سایر زوجین مطلع می‌شوند که منجر به طلاق شده است. اکثریت خانواده‌هایی که دچار خیانت زناشویی می‌شوند، این تجربه را از دوستان و خانواده خود پنهان می‌کنند که این رازداری، مسئله شیوع خیانت را دچار تحریف می‌کند (۹). وجود بی‌وفایی در ازدواج نه تنها موجب ضربه شدید احساسی به زن و شوهر می‌شود بلکه همسر بی‌وفا و فرد مورد علاقه‌اش را نیز در برمی‌گیرد به طوریکه آن‌ها معمولاً دچار افسردگی شدید یا احساس گناه می‌شوند یا حتی به فکر خودکشی می‌افتند. بحران زناشویی، تضعیف عملکردی در ایفای نقش‌های والدینی، مشکلات شغلی، ضرب و شتم، قتل همسر به دلیل وجود نفر سوم (معشوق) و در نهایت طلاق و پایان دادن به زندگی مشترک، برخی دیگر از پیامدهای خیانت همسر محسوب می‌شوند (۱۰، ۱۱).

نکته قابل تأمل این است که چرا با وجود این همه پیامد مخرب، حتی افراد دارای باورهای نیرومند مذهبی و اخلاقی، براحتی تحت تأثیر احساساتشان قرار می‌گیرند و به همسرشان خیانت می‌کنند. عقیده بر این است که احتمال بی‌وفایی در شرایط معین، تا حدودی در هر فردی وجود دارد. اغلب بی‌وفایی‌ها، با دوستی آغاز می‌شود، با عمیق‌تر شدن دوستی، دوطرف برای رفع نیازهای یکدیگر تلاش می‌کنند و وقتی آن نیاز خاص برطرف شد، فرد عاشق شخصی می‌شود که آن نیاز را برطرف کرده است، برآورده کردن نیازهای ارضا نشده آنقدر تأثیر قدرتمندی دارد که اشخاص تمایل پیدا می‌کنند همسر، فرزندان، شغل و باورهایشان را فدای این ارضاسازی کنند (۱۲). در کشورهای مختلف، در خصوص علل

برای هیچیک از گویه‌های پرسشنامه، پاسخی به عنوان پاسخ صحیح یا غلط وجود ندارد. در ضمن به دلیل رعایت ملاحظات اخلاقی، به تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش گفته شد که شرکت در این تحقیق کاملاً داوطلبانه بوده و شرکت‌کنندگان حق انصراف در هر مرحله از تحقیق را خواهند داشت و اطلاعات آنها محرمانه خواهد ماند. در انتهای پرسشنامه خیانت نیز قسمتی برای تکمیل اطلاعات جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها (سن - جنسیت - محل سکونت - شغل - سواد - مدت ازدواج - تعداد فرزندان) در نظر گرفته شده بود. لازم به ذکر است که هیچگونه محدودیت زمانی برای تکمیل پرسشنامه‌ها در نظر گرفته نشد. داده‌های پژوهش حاضر به دو صورت توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند. در روش توصیفی، اطلاعاتی پیرامون متغیرهای جمعیت‌شناختی شامل جنسیت، سن، میزان تحصیلات، مدت ازدواج، شغل و تعداد فرزند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در روش استنباطی، بررسی هدف پژوهش با استفاده از ضرایب t و ضرایب مسیر (β) از طریق نرم افزار ۲ Smart PLS و روش حداقل مربعات جزئی انجام شد.

یافته‌ها

پژوهش حاضر روی ۱۰۰ شرکت‌کننده (۵۰ مرد و ۵۰ زن) با هدف بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای ناسازگار اولیه، خوش‌بینی و بدبینی با توجیه خیانت زناشویی در افراد متأهل انجام شد. متغیرهای جمعیت‌شناختی مورد بررسی در این مطالعه شامل جنسیت، سن، میزان تحصیلات، مدت ازدواج، شغل و تعداد فرزند بودند. اکثر پاسخ‌گویان (۷۰ درصد) سن بین ۲۵ - ۲۱ سال داشتند. مدت ازدواج در ۹۰ درصد موارد بین ۳ - ۱ سال بود و ۶۰ درصد نمونه‌ها هیچ فرزندی نداشتند. بیشترین میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان (۳۰ درصد) فوق دیپلم بود و ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان مغازه‌دار بودند.

در سطح اطمینان ۹۵ و با توجه به ضرایب مسیر (β) و T ، نتایج تحقیق تفسیر شدند. مقدار آماره T بیشتر از ۱/۹۶ اثر مثبت و معنادار را نشان می‌داد. بین ۱/۹۶ تا ۱/۹۶- به معنای این بود که اثر معناداری وجود ندارد و T کوچک‌تر از ۱/۹۶- یعنی اثر منفی معناداری وجود دارد. ضریب مسیر نیز نشان‌دهنده اثر مستقیم یک سازه بر روی سازه دیگر بود. در صورتی که ضرایب مسیر بین متغیرها بیشتر از ۰/۱۶ می‌شد بدین معنی بود که تأثیر پیش‌بینی‌کننده متغیر پنهان نسبت به متغیر وابسته قوی می‌باشد، اگر این مقدار بین ۰/۳ تا ۰/۱۶ می‌شد، به معنای تأثیر متوسط و در مقدار کمتر از ۰/۳، ضعیف ارزیابی می‌شد. لذا با توجه به مقادیر پایه ($T = ۱/۹۶$) و ($\beta = ۰/۱۶$) یافته‌ها به قرار زیر بودند:

نتایج تحقیق نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی (روان‌رنجوری، برون‌گرایی/ درون‌گرایی، توافق‌پذیری) و توجیه خیانت زناشویی رابطه معناداری وجود نداشت، به طوری که ($T = ۱/۷۸۱$) و ($\beta = -۰/۲۱۰$) بود، در نتیجه این رابطه، رد شد، یعنی افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی خاص، تمایل به توجیه خیانت در زناشویی نداشتند. بین الگوهای ناسازگار اولیه (محرومت هیجانی، معیارهای سرسختانه، ایثار، خویش‌داری و خود انطباقی ناکافی، گرفتار، بازداری هیجانی) و توجیه خیانت زناشویی رابطه (علی) معکوس و معناداری وجود داشت، به طوری که ($T = ۵/۳۴۴$) و ($\beta = -۰/۱۶۱۲$) بود، در نتیجه این رابطه پذیرفته شد، به عبارتی، افرادی که دارای این نوع ناسازگاری‌ها بودند، تمایل کمتری به توجیه خیانت در روابط زناشویی داشتند. همچنین بین خوش‌بینی/ بدبینی و توجیه خیانت زناشویی

بزرگ شخصیت به ترتیب، عامل روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی برابر تجربه، توافق‌جویی و با وجدان بودن است. هر یک از این عوامل، ۱۲ سؤال مقیاس را پوشش می‌دهند. در پرسشنامه الگوهای ناسازگار اولیه (۱۵)، تعداد الگوها، پانزده مورد است و عبارتند از محرومیت هیجانی؛ رهاشدگی/ بی‌ثباتی؛ بی‌اعتمادی/ بدرفتاری؛ انزوای اجتماعی/ بیگانگی؛ نقص/ شرم؛ شکست؛ وابستگی/ بی‌کفایتی؛ آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری؛ گرفتار/ خویش‌تن تحول نیافته؛ اطاعت؛ ایثارگری؛ بازداری هیجانی؛ معیارهای سرسختانه؛ استحقاق/ بزرگ منشی؛ خویش‌تن داری/ انضباط ناکافی. پرسشنامه فرم کوتاه الگوهای ناسازگار اولیه در ایران، طی مطالعات متعدد و برای جمعیت‌های متفاوت مورد استفاده قرار گرفته و روایی و پایایی آن تأیید شده است (۱۶). نمره‌گذاری گویه‌های پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت شش قسمتی بود (گزینه در مورد من (پاسخ‌گو): ۱- کاملاً غلط است ۲- اکثراً غلط است ۳- کمی صحیح است ۴- به میزان متوسط صحیح است ۵- اکثراً صحیح است ۶- کاملاً صحیح است)، نمره بالاتر نشان‌دهنده وجود الگوهای ناسازگار اولیه بود. پرسشنامه خوش‌بینی - بدبینی در قالب ۳۰ سؤال تهیه و مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسشنامه در ایران پس از هنجاریابی و تأیید روایی و پایایی آن بر روی جامعه دانشجویان ایرانی توسط انتشارات روان‌سنجی معرفی و مورد استفاده قرار گرفته است (۱۷). شیوه نمره‌گذاری این آزمون به این قرار بود که پاسخ (الف) امتیازی نداشت. به هر پاسخ (ب)، ۲ امتیاز و به هر پاسخ (ج) ۱ امتیاز تعلق گرفت و سپس جمع امتیازات به این نحو تفسیر شدند: امتیازات بین ۶۰ - ۴۵ (شما همواره دیدی خویش‌بینانه در زندگی دارید. بسیار بی‌فکر و خوش‌خیال هستید و مطمئن هستید که در زندگی به بهترین‌ها می‌رسید). امتیاز بین ۴۴ - ۲۷ (شما یک واقع‌گرا هستید، می‌فهمید که زندگی یک غلتک لغزنده است. اما این غلتک می‌تواند مهیج و مشوق باشد و امیدوارانه نقاط بالایی بر نقاط پایین و زیرین سبقت می‌جویند و این همان چیزی است که در واقع در انتها به آن می‌رسیم). امتیاز کمتر از ۲۷ (اگرچه خود را به عنوان فردی واقع‌گرا توصیف می‌کنید، اما به نظر می‌رسد بدبین زاده شده‌اید. این نمره به این معنی است که دیگران شما را فردی منفی می‌بینند. شما از شوشش درونی و بی‌خوابی‌های بی‌دلیل به شدت رنج می‌برید).

پرسشنامه توجیه روابط فرازناشویی (۱۸) که دارای ۱۷ گویه و ۴ زیر مقیاس (توجیه عاطفی، توجیه عشقی، توجیه جنسی و عاطفی) است، دلیل تراشی‌های متداول افراد در روابط فرازناشویی را مورد سنجش قرار می‌دهد و نمره‌گذاری آن بر اساس طیف چهار قسمتی لیکرت است (گزینه‌های «اصلاً قابل توجیه نیست»، «قابل توجیه نیست»، «تا حدی قابل توجیه است» و «کاملاً قابل توجیه است» به ترتیب دارای امتیاز یک تا چهار هستند). روایی این پرسشنامه به روش پانل خبرگان تأیید و همچنین پایایی به روش آلفای کرانباخ ۶۹ درصد به دست آمد. پژوهشگر به منظور جمع‌آوری اطلاعات، بعد از هماهنگی لازم با مسئولان و اخذ مجوزهای لازم در کلاترهای استان گلستان حاضر شد و ضمن ارائه توضیح پیرامون هدف تحقیق و شیوه پاسخ‌گویی به سؤالات، پرسشنامه‌های مورد نظر را که به شیوه تصادفی مرتب شده بودند در اختیار نمونه‌ها قرار داد و از آنها خواست تا سؤال‌ها را به دقت خوانده و با صداقت گزینه‌هایی را انتخاب کنند که بیشترین شباهت و انطباق را با نظر یا الگوی رفتاری آنان دارد و بر این نکته تأکید شد که

خوش‌بین در مقایسه با افراد بدبین، تمایل کمتری به توجیه خیانت زناشویی داشتند (جدول ۱ و ۲ و ۳).

رابطه (علی) معکوس و معناداری وجود داشت، یعنی ($T = ۲/۲۷۳$) و ($\beta = -۰/۱۹۵$) بود، در نتیجه این رابطه پذیرفته شد، بدین معنا که افراد

جدول ۱: نتایج آزمون فرضیات تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد

فرضیات	t	β	نتیجه
آیا ویژگی‌های شخصیتی با توجیه خیانت زناشویی رابطه دارد؟	۱/۷۸۱	-۰/۲۱۰	رد فرضیه

جدول ۲: نتایج آزمون فرضیات تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد

فرضیات	t	β	نتیجه
آیا الگوهای ناسازگار اولیه با توجیه خیانت زناشویی رابطه دارد؟	۵/۳۴۴	-۰/۶۱۲	تأیید فرضیه

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیات تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد

فرضیات	t	β	نتیجه
آیا خوش‌بینی و بدبینی با توجیه خیانت زناشویی رابطه دارد؟	۲/۲۷۳	-۰/۱۹۵	تأیید فرضیه

بحث

در پژوهش حاضر، بیشترین میزان بی‌وفایی در سنین ۲۵-۲۱ سال بود که با یافته‌های فتحی که بیشترین میزان بی‌وفایی زناشویی مردان (۴۲ درصد) را در سنین ۳۵-۲۶ سالگی نشان می‌داد و نیز با پژوهش آمانو و راجرز که احتمال تجربه روابط خارج از ازدواج را در زوج‌های جوان‌تر بیشتر گزارش کرده بود، همخوانی داشت (۱۹، ۲۰). این نتایج با یافته‌های اتکینز که در آن مردان ۶۵-۵۵ سال بیشتر تمایل به روابط خارج از ازدواج داشتند، همخوانی نداشت (۲۱). به نظر می‌رسد در تحقیق حاضر علت وقوع خیانت در این رده سنی، تحت تأثیر ماهواره و فیلم‌های مستهجن و نیز نقش تسهیل‌گری اینترنت و تلفن همراه در ایجاد تعامل با جنس مخالف باشد. در پژوهش حاضر بیشترین میزان بی‌وفایی در ۳-۱ سال اول زندگی بود که با پژوهش فتحی که بیشترین بی‌وفایی زناشویی در ده سال اول ازدواج بود و با تحقیق لئو که نشان داد روابط جنسی خارج از ازدواج مردان در سال هفتم ازدواج به اوج خود می‌رسد، هم‌راستا بود (۱۹، ۲۲). با توجه به نتایج تحقیق حاضر به نظر می‌رسد علت وقوع خیانت در سال‌های اولیه ازدواج، برآورده‌نشده توقعات ازدواج و ارضاء نشدن نیازهای عاطفی و جنسی در روابط زناشویی باشد. در پژوهش حاضر بیشترین میزان بی‌وفایی در زوج‌های بدون فرزند رخ داد که با پژوهش لئو که داشتن فرزند را نوعی سرمایه گذاری انسانی پدیدکننده فرد به خانواده‌اش می‌داند، همخوانی داشت و با پژوهش فتحی که ۸۴ درصد از مردان بی‌وفا دارای فرزند بودند، مغایر بود (۱۹، ۲۲). با توجه به نتیجه مطالعه حاضر ممکن است بتوان فرزندان را سدهایی در مقابل بی‌وفایی زناشویی دانست، زیرا سرمایه‌گذاری فرد را در رابطه زناشویی افزایش می‌دهند. در پژوهش حاضر بیشترین افراد دارای خیانت زناشویی، مغازه دار بودند که با مطالعه فتحی که شغل ۴۰ درصد مردان بی‌وفا در روابط زناشویی، مغازه‌دار و فروشنده لوازم زنانه و راننده تاکسی یا آژانس بودند و فرصت بیشتری برای ارتباط با جنس مخالف داشتند و همچنین با نتایج تحقیق کمپل هم‌راستا بود (۱۹، ۲۳). با توجه به نتیجه این متغیر در مطالعه حاضر، نه تنها نارضایتی از ازدواج، بلکه عوامل دیگری مثل داشتن

فرصت در سوق دادن فرد به سوی روابط خارج از ازدواج و عوامل فرهنگی و اقتصادی می‌تواند در این مورد تأثیر داشته باشد. در پژوهش حاضر بیشترین افراد دارای خیانت زناشویی تحصیلات فوق دیپلم داشتند که با تحقیق ضیایی که میانگین تحصیلات افراد بین دیپلم تا لیسانس بود و نیز با تحقیق شاه‌سیاه که نشان داد هر چه میزان تحصیلات بیشتر باشد رضایت جنسی افزایش می‌یابد، همخوان بود (۷، ۲۴). با توجه به نتیجه این متغیر در این پژوهش به نظر می‌رسد که سطح تحصیلات در میزان تعهد به روابط زناشویی تأثیرگذار است و هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد میزان بی‌وفایی کاهش می‌یابد. در این مطالعه، نتایج حاصل از بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با توجیه خیانت زناشویی نشان داد که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود نداشت، در تحقیق حیدری و فاتحی‌زاده عنوان شده بود بالا بودن نمرات افراد در پرسشنامه شخصیتی نئو در ابعاد تجربه‌گرایی، خودشیفتگی و روان‌رنجوری می‌تواند پیش‌بینی‌کننده عهدشکنی در ازدواج باشد (۲۵). مألوف و تورستینسون، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عوامل شخصیتی می‌توانند سازگاری و ناسازگاری را پیش‌بینی کنند و از این پنج عامل شخصیتی، عصبیت، که بیشتر با هیجان‌پذیری منفی از آن یاد می‌شود، اثرات قویتری بر بازده زناشویی دارد و افراد دارای سبک‌های شخصیتی تکانشی، دارای اعتمادپذیری پایین و وجدان‌گرایی کم، احتمالاً بیشتر درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند. نتایج همه این تحقیقات با یافته پژوهش حاضر مغایر بودند (۲۶). هرچند که نتایج تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های بالا همخوانی نداشت، اما بر اساس مشاهدات محقق و خود گزارش‌دهی‌های افراد، به نظر می‌رسد که عوامل دیگری (نظیر عدم ارضای نیازها، عدم وجود صداقت، محبت، گفتگو و بی‌آلایشی، عدم حمایت مالی (برای زنان)، نارضایتی از رابطه فعلی، تمایل و اشتیاق به داشتن تنوع هیجانی جنسی، انتقام، خشم یا حسادت، احساس عدم امنیت یا نامطمئن بودن در مورد رابطه، بلوغ نایافتگی و کمبود تعهد، علاقه مفرط برای برقراری رابطه عاشقانه با فرد خارج از رابطه زناشویی، نارضایتی جنسی، ازدواج‌های تحمیلی و مصلحتی، مشاجره بین والدین، افزایش عزت نفس، ناتوانی

خوش‌بینی و بدبینی با سلامت روان در افراد بزرگسال شهر اصفهان» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که بین خوش‌بینی با سلامت روان و ابعاد آن رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین بدبینی با سلامت روان و ابعاد آن (نشانه‌های بدنی، اضطراب، اختلال در عملکرد اجتماعی) رابطه معنادار وجود دارد. بر این اساس می‌توان به این نتیجه دست یافت که افراد خوش‌بین با داشتن ویژگی‌های مثبت، سلامت روان بهتری خواهند داشت و این سلامت روان آنها را به داشتن خانواده‌ایی با قدرت حل مسئله و تعهد بیشتر و مشکلات کمتر رهنمون خواهد کرد و افراد بدبین به دلیل نداشتن ویژگی‌های مثبت، سلامت روان کمتری دارند و امکان دارد که دچار اختلالات رفتاری از جمله روابط فرازناشویی شوند. بنابراین از این دیدگاه نیز نتیجه پژوهش با این تحقیق هماهنگ بود. با عنایت به اینکه پژوهش حاضر فقط در استان گلستان اجرا شد، نتایج این پژوهش قابل تعمیم نیست. همچنین کمبود منابع مطالعاتی فارسی و پژوهش‌های داخلی درخصوص بی‌وفایی زناشویی و همکاری نکردن برخی مسئولان مراکز و مؤسسات، به دلیل حساسیت زیاد موضوع و نیز همکاری نکردن افراد دچار خیانت زناشویی، به خاطر حساسیت موضوع و ترس از شناخته شدن از جمله محدودیت‌های قابل ذکر این مطالعه بودند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر بیشترین ارتباط بین الگوهای ناسازگار اولیه با توجیه خیانت بود، لذا به نظر می‌رسد می‌توان از الگوهای ناسازگار اولیه برای شناخت افراد در معرض خطر و همچنین از الگودرمانی در درمان افراد آسیب دیده از بی‌وفایی استفاده کرد.

سپاسگزاری

این مطالعه حاصل پایان نامه دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی ساری است. بدین وسیله از کلیه دانشجویان و همکاران گروه روانشناسی بالینی که در امر تحقیق و تتبع این مقاله ما را یاری کردند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

هیچگونه تضاد منافی برای نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

در کنترل وسوسه‌ها، در دسترس نبودن همسر و مصرف دارو یا الکل) در خیانت زناشویی دخیل بودند، از طرفی، مشکلات نمونه‌های پژوهش و عدم امکان مصاحبه با فرد خیانت‌دیده، باعث شد که تفاوت‌های بین فردی زوجین به خوبی شناسایی نشود تا بتوان به طور دقیق‌تر گفت که ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند باعث بروز خیانت شود یا خیر. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش، وجود رابطه معنادار بین الگوهای ناسازگار اولیه با توجیه خیانت زناشویی بود، به این معنا که بین الگوهای ناسازگار اولیه (محرومیت هیجانی، معیارهای سرسختانه، ایثار، خویشترداری و خود انضباطی ناکافی، گرفتار، بازدارنده هیجانی) و توجیه خیانت زناشویی رابطه معکوس و معناداری وجود داشت و با بیشتر شدن این الگوها، توجیه روابط فرازناشویی کمتر می‌شد. تنها مطالعه‌ایی که به لحاظ موضوعی و ابزار مورد استفاده، کاملاً مشابه مطالعه حاضر یافت شد، مربوط به نوایی (۲۷) بود که به این نتیجه رسیده بود که بین توجیه روابط فرازناشویی و تمام الگوهای ناسازگار اولیه به جز الگوی ایثار، رابطه آماری معناداری وجود دارد و افرادی که روابط فرازناشویی را توجیه می‌کردند نمره الگویی بالاتری داشتند. لذا برای نتیجه‌گیری پیرامون این یافته، از مطالعات با موضوعات تقریباً مشابه که الگوهای ناسازگار اولیه را در گروه‌های مختلف مورد مقایسه قرار داده‌اند، استفاده شد.

کولایی (۲۸) در بررسی الگوهای ناسازگار اولیه در دو گروه از مردان پیمان‌شکن و غیرپیمان‌شکن، به این نتیجه رسید که بجز الگوهای محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی‌اعتمادی و استحقاق، در بقیه موارد بین دو گروه تفاوت آماری معنادار وجود داشت که با تحقیق حاضر همخوان بود. در مطالعات مشابه دیگر می‌توان به مقایسه الگوهای ناسازگار اولیه در دو گروه از مجرمان جنسی و افراد عادی (نوفروستی) و همسران خواهان طلاق و زوج‌های عادی (یوسفی) اشاره کرد که در هر دو پژوهش، الگوی ناسازگار اولیه بین گروه‌ها تفاوت آماری معنادار نشان داده بود (۲۹، ۳۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای ناسازگار اولیه، ابزاری کارآمد برای تفکیک گروه‌های مورد مقایسه در مطالعات انجام یافته بوده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند بین بدبینی و خوش‌بینی با توجیه خیانت زناشویی رابطه معناداری وجود داشت به این معنا که در افراد خوش‌بین‌تر، خیانت کمتری مشاهده شد. نتایج پژوهش حاضر با تحقیق شاکردوست و امین پور (۳۱) که نشان داد افراد عادی و سالم از میانگین بالاتری از خوش‌بینی برخوردار هستند، مطابقت داشت. آقای و همکاران (۳۲) مطالعه‌ای با عنوان «رابطه

References

1. Aron A, Fisher H, Mashek DJ, Strong G, Li H, Brown LL. Reward, motivation, and emotion systems associated with early-stage intense romantic love. *J Neurophysiol.* 2005;94(1):327-37. DOI: [10.1152/jn.00838.2004](https://doi.org/10.1152/jn.00838.2004) PMID: [15928068](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/15928068/)
2. Treas J, Giesen D. Sexual infidelity among married and cohabitating. *J Med Fac.* 2000;62(1):48-60.
3. Hertlein K, Piercy F. Internet infidelity: A critical review of the literature: Counseling and Therapy for Families and Couples. *Fashion J.* 2006;74:366-71.
4. Fricker J. The Role of Attachment Styles, Lovestyles, and the Investment Model. Hawthorn, Australia: Swinburne University of Technology; 2013.
5. Jeanfreau M. A qualitative study investigating the decision-making process of women's participation in marital infidelity. Manhatt: University Manhatt; 2009.
6. Johnson CA, Stanley S, Glenn N, Amato P, Nock S, Markman H. Marriage in Oklahoma. Oklahoma Oklahoma Department of Human Services; 2001.

7. Ziaee S. Evaluation of personal and social characteristics of the married relationship outside of marriage in Tehran and Shiraz in the years 1385 to 1386. 2011.
8. Madani S, Roushanfekr P. Characteristics of street prostitutes customer's prostitution from the perspective of women in Tehran. *J Iranian Soc Dev Stud.* 2010;6(34):33-64.
9. Vaughan P. The monogamy myth. New York: New market press; 2008.
10. Stefano J, Oala M. Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. *Fashion J.* 2008;16(1):13-9.
11. Shackelford T, Besser A, Goetz A. Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity. *IDRJ.* 2008;6(1):13-25.
12. Khalid M, Zara N. Personality traits, Infidelity and Marital Satisfaction among Married men and women. *Int J Sci Eng Res.* 2013;4(12):386-91.
13. Ahmadi H. Sociology of deviance. Tehran: Samt; 2008.
14. Costa P, McCare R. The NEO PI-R: professional manual. Odessa, FL: Psychological Wellbeing. *J Pers Soc Psychol.* 1992;57:1363-81.
15. Hamidpour C, Anduz Z. Translation of schema therapy. Yang, Vyshar: Arjomand publications; 2015.
16. Yousefi N, Etemadi A, Bahrami F, Hamdi S, Fatehizadeh D. Compare the early maladaptive schemas in ordinary wives and couple's divorce. *Iranian J Psychiatr Clin Psychol.* 2011;16(1):21-33.
17. Cooper A, Delmonico DL, Burg R. Cybersex users, abusers, and compulsives: New findings and implications. *Sex Addict Compuls.* 2000;7(1-2):5-29. DOI: [10.1080/10720160008400205](https://doi.org/10.1080/10720160008400205)
18. Glass S. Reconstructing marriages after the trauma of infidelity. In: Halford W, editor. *Clinical handbook of marriage and couples interventions.* New York: John Wiley & Sons; 1981.
19. Fathi M, Fekrazad H, Ghaffari G, Bolhari G. Predisposing factors for marital unfaithfulness. *J Soc Welfare.* 2002;13(51):119-36.
20. Amato PR, Rogers SJ. A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *J Marriage Fam.* 1997;59(3):612-24. DOI: [10.2307/353949](https://doi.org/10.2307/353949) PMID: [WOS:A1997XV72500008](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/119972500008/)
21. Atkins DC, Baucom DH, Jacobson NS. Understanding infidelity: correlates in a national random sample. *J Fam Psychol.* 2001;15(4):735-49. DOI: [10.1037/0893-3200.15.4.735](https://doi.org/10.1037/0893-3200.15.4.735) PMID: [11770478](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/11770478/)
22. Liu C. A theory of marital sexual life. *J Marriage Fam.* 2000;62(2):363-74. DOI: [10.1111/j.1741-3737.2000.00363.x](https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2000.00363.x) PMID: [WOS:000087306700006](https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/000087306700006/)
23. Campbell A, Marie MA. How Selected Personality Factors Affect The Relationships Between Marital Satisfaction, Sexual Satisfaction and Infidelity. *J Individ Differ Res.* 2009;5(3):25-38.
24. Shahsiah M, Bahrami F, Mohebi S. Explores the relationship between sexual satisfaction and marital commitment in city Shahreza. *J Ment Heal.* 2010;3(43):233-8.
25. Heydari H, Fatehizadeh M, Etemadi A. Predictor unfaithful in marriage. *Psychoth Dev J.* 2010;15(51):115-21.
26. Malouff JM, Thorsteinsson EB, Schutte NS, Bhullar N, Rooke SE. The Five-Factor Model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *J Res Pers.* 2010;44(1):124-7. DOI: [10.1016/j.jrp.2009.09.004](https://doi.org/10.1016/j.jrp.2009.09.004)
27. Navaei J, Mohammadi Arya A. Association between the early Maladaptive Schemes and Extra Marital Relationship among Married People. *J Psych Nurs.* 2015;3(4):18-27.
28. Koolae K, Motlagh B, Esmaili T, Taghvaei D, Rahmatizadeh M. The comparison of early maladaptive schema and intimacy in married infidelity and non-infidelity men. *Int J Palliat Nurs.* 2014;7(3):12-23.
29. Noferesti A, Anari A. Rape and schema comparison between two groups and ordinary people. *Iranian J Psychiatr Clin Psychol.* 2013;14(2):12-29.
30. Youssefi N, Etemadi A, Bahrami F, Hamdi S, Fatehizadeh M. Compare the early maladaptive schemas in ordinary wives and Couples divorce. *Iranian J Psychiatr Clin Psychol.* 2011;16(1):21-33.
31. Shakerdust A, Aminpoor M. Optimism-Pessimism and self-efficacy in patients with multiple sclerosis. *J Health Commun.* 2012;17(1):47-56.
32. Aghaii A, Raiisi dehkordi R, Atashpour S. The relationship between optimism and pessimism with mental health in adults in Isfahan. *KRPJ.* 2008;33:117-30.